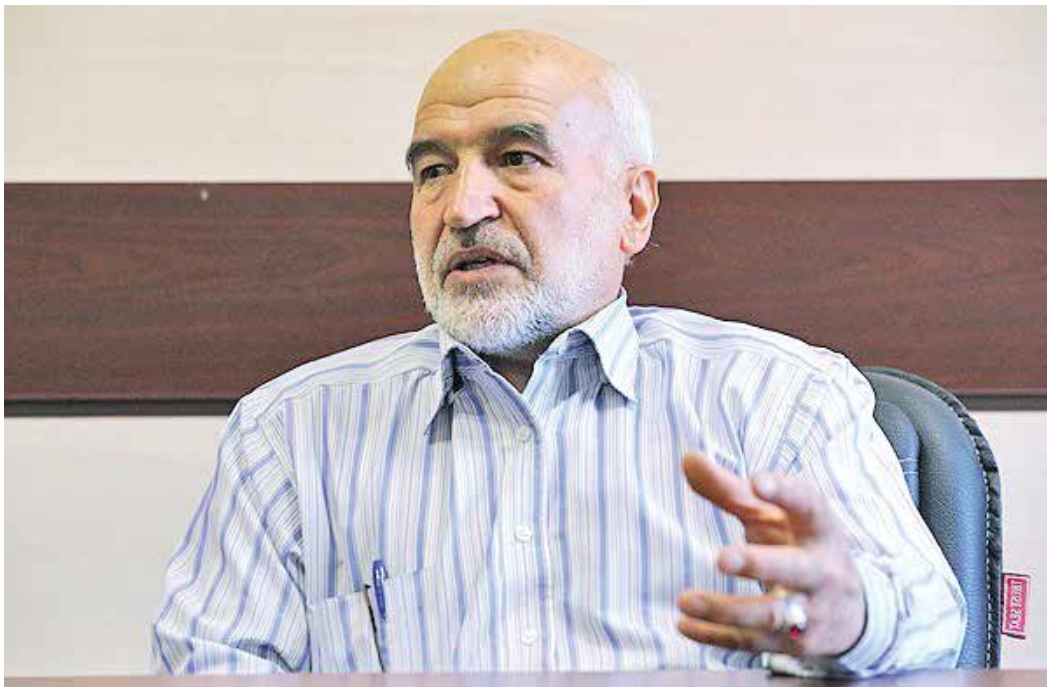


گفت و گو با «یوسف فروتن» اولین سخنگو و عضو نخستین شورای فرماندهی سپاه پاسداران:

گفتیم سپاه برای اسلام است و محدود به ایران نیست

«یوسف فروتن» از اولین مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. او پیش از انقلاب از فعالان دانشجویی در آلمان و عضو اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا بود و در کنار شهید آیت الله بهشتی به فعالیت می‌پرداخت. در ایران نیز همراه با گروه فلاح (یکی از گروه‌های هفتگانه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) علیه رژیم شاهنشاهی مبارزه می‌کرد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت سپاه درآمد و اولین سخنگو و مسئول روابط عمومی این نهاد انقلابی و عضو شورای فرماندهی سپاه شد. مادر، برادر و ۱۰ نفر از اعضای خانواده فروتن در موشکباران تهران توسط جنگنده‌های رژیم بعث عراق در سال ۶۵ به شهادت رسیدند.



محمد منتظری راه‌اندازی کرد که نامش «پاسا» بود. یک سپاه را هم آقایان غرضی، صباغیان و دانش منفرد که برخی از آنها در دولت موقت حضور داشتند، ایجاد کردند.

در همان زمان پیشنهاد ایجاد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با ادغام هفت گروه مبارز نیز مطرح شد. این سازمان با نگاهی که استاد مطهری داشت، در مقابل سازمان مجاهدین خلق ایجاد شد تا عناوینی که مجاهدین خلق مصادره کرده بودند از آنها گرفته شود.

در یکی از روزهایی که در دفتر کنونی روزنامه جمهوری اسلامی و دفتر سابق سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی جلسه داشتیم، شهید مطهری آمد و گفت اعضای سازمان مجاهدین خلق دروغ می‌گویند. در حالی که تمام شعارهایشان اسلامی است، اما خلاف اسلام عمل می‌کنند، باید سازمانی درست شود تا این تعبیر را از آنها بگیرد.

بنابراین قرار شد گروه‌هایی که دارای سابقه فعالیت علیه رژیم شاه هستند و مورد تأیید امام و بزرگان نظام بودند، دور هم جمع شوند و سازمانی را با عنوان مجاهدین انقلاب اسلامی تشکیل دهند. افرادی همچون ابوشریف، محمد بروجرودی و جواد منصوری نیز در به وجود آمدن این سازمان نقش داشتند.

پس از مدتی حضرت امام دستور دادند که این سپاه‌ها جمع شود و یک سپاه هماهنگ به وجود آید. شورای فرماندهی سپاه با حضور آقایان ابوشریف، بشارتی، داوودی، منصوری، رفیق دوست و کلاهدوز، اولین جلسه خود را برگزار و کار خود را آغاز کرد.

در همان جلسه اول شورای فرماندهی سپاه، مقرر شد ۳ سپاهی که تا آن روز به صورت مجزا فعالیت می‌کردند، از آن به بعد تحت نظر شورای فرماندهی کار کنند. محسن رفیق دوست مسئول تدارکات، شهید یوسف کلاهدوز مسئول آموزش، اسماعیل داوودی شمس‌ی مسئول اداری و مالی، ابوشریف مسئول عملیات، جواد منصوری رئیس شورا و من هم مسئول انتشارات روابط عمومی و سخنگوی سپاه شدم. این ترکیب از فروردین ۵۸ کار را شروع کرد.

آن سه سپاه که از قبل تأسیس شده بودند، در ابتدا نمی‌خواستند ما را به رسمیت بشناسند. در تاریخ ۲ اردیبهشت ۵۸ حکم شورای فرماندهی سپاه صادر شد. در این حکم نوشتیم که از امروز بجز شورای فرماندهی کل سپاه هیچ کس حق ندارد از جانب سپاه حرف بزند. برخی از نفرت‌شاخص آن سپاه‌ها که از قبل کارشان را آغاز کرده بودند بعد از صدور این اطلاعیه، سپاه را رها کردند و برخی هم به مدل و سیستم جدید واکنش مثبت نشان دادند و در سپاه ماندند.

■ **هدف از تشکیل سپاه چه بود و این نهاد انقلابی با چه انگیزه‌هایی شکل گرفت؟**

انقلاب اسلامی که به پیروزی رسید و حکومت تغییر یافت، تشکیلات هم باید تغییر پیدا می‌کرد و این تغییرات شامل نظامیان هم می‌شد. با وجود اینکه امام و انقلابیون به ارتشیان اعتماد داشتند، اما توان ارتش را برای دفاع از انقلاب اسلامی کافی و مناسب نمی‌دیدند. بنابراین از مدت‌ها قبل جرقه ایجاد یک نهاد انقلابی - نظامی برای حراست از انقلاب اسلامی در ذهن انقلابیون به وجود آمد و به امام خمینی (ره) پیشنهاد داده شد.

■ **آیا از ابتدا برای دستیابی به اهداف برنامه‌ریزی و سازماندهی داشتید؟**

سپاه با وجود مشکلاتی که داشت و پراکندگی‌هایی که با آن روبه‌رو بود، بتدریج شکل گرفت. فرایند شکل‌گیری سپاه طولانی بود. در واقع یک پروسه عملیاتی - ستادی طولانی بود که نمی‌خواستیم درگیری با جایی به وجود بیاید. انتخاب افراد هم بایستی حساب‌شده صورت می‌گرفت. به همین منظور مجموعه‌ای به نام دفتر هماهنگی درست کردیم. افرادی که در این دفتر حضور داشتند ارزیابی و شناسایی نیروها را در تهران و شهرستان‌ها انجام می‌دادند. آقایان محمدزاده، محمودزاده، دکتر فرمد، دکتر جعفری، سنجر، سلیمانی و خلیل طباطبایی در این دفتر بودند.

در همان جلسه اول شورای

فرماندهی سپاه، مقرر شد ۳ سپاهی

که تا آن روز به صورت مجزا فعالیت

می‌کردند، از آن به بعد تحت نظر

شورای فرماندهی کار کنند. محسن

رفیق دوست مسئول تدارکات، شهید

یوسف کلاهدوز مسئول آموزش،

اسماعیل داوودی شمس‌ی مسئول

اداری و مالی، ابوشریف مسئول

عملیات، جواد منصوری رئیس شورا

و من هم مسئول انتشارات روابط

عمومی و سخنگوی سپاه شدم. این

ترکیب از فروردین ۵۸ کار را شروع

کرد

نهایت در هم ادغام شدند و سپاه به طور رسمی شکل گرفت. روند ادغام

این گروه‌ها و شکل‌گیری سپاه چگونه بود؟

از آن موقع که جرقه تشکیل نیرویی غیر از ارتش در ذهن‌ها زده شد، تا آن روزی که سپاه به طور رسمی تأسیس شد، حدود ۳ ماه طول کشید و در آن مدت اتفاقات زیادی رخ داد و نیروها و افراد مختلفی که سابقه فعالیت تشکیلاتی داشتند، خود را شایسته تشکیل چنین نیرویی می‌دانستند.

یک سپاه در جمشیدیه بود که جواد منصوری و ابوشریف مسئول آن بودند. یک سپاه دیگر آقای لاهوتی راه‌اندازی کرد. دیگری را هم شهید

■ **شما عضو اولین شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستید و پیش از انقلاب فعالیت‌های مبارزاتی مختلفی در داخل و خارج از کشور داشتید. به عنوان سؤال نخست بفرمایید که شما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کدام یک از نهادها فعالیت داشتید؟**

من در جریان ورود امام خمینی (ره) به کشور در روز ۱۲ بهمن ۵۷، عضو کمیته استقبال بودم. انقلاب که به پیروزی رسید، کمیته انقلاب اسلامی به دستور امام خمینی (ره) شکل گرفت و آیت‌الله مهدوی‌کنی مسئول آن شد. من مدتی معاون آموزشی کمیته بودم و در مجلس سابق که الان بهارستان است، مستقر بودیم. شهیدان مطهری، مفتاح و باهنر و تعدادی از آقایان علما به آنجا می‌آمدند و جلسات متعددی داشتند.

پس از اینکه سپاه تشکیل شد، بنده به آنجا رفتم و باتوجه به اینکه آقای مرتضی الویری از عضویت در شورای فرماندهی سپاه انصراف داد، بنده جایگزین شدم و مسئولیت روابط عمومی آن نهاد انقلابی را برعهده گرفتم. آقای الویری گفت من از کارهای نظامی خوشم نمی‌آید و به جای من فروتن انتخاب شود.

■ **کمیته انقلاب اسلامی و سپاه دو نهاد انقلابی بودند که در ظاهر هدف مشترکی داشتند، آیا بین این دو نهاد اختلافات و مشکلاتی وجود داشت؟**

پس از اینکه سپاه تشکیل شد، درگیری‌هایی بین کمیته و سپاه در سراسر کشور به طور ضمنی به وجود آمد که خیلی جاها کمرنگ بود و خیلی جاها هم اصلاً بی‌رنگ بود. البته برخی جاها هم شدید بود. درگیری‌ها از سوی کسانی شروع می‌شد که دل‌هایشان بیمار بود و مسأله‌سازی می‌کردند. این درگیری‌ها هیچ‌گاه به نقطه‌ای کشانده نشد که در شهر و استانی، فرمانده سپاه در مقابل فرمانده کمیته قرار بگیرد یا اینکه فرمانده کمیته با فرمانده سپاه درگیر شود. مسائل و مشکلات با میانجیگری و برگزاری نشست‌ها و جلساتی حل می‌شد. بالاخره حدود و ثغور مسئولیت‌ها مشخص بود و رفتارها و روابط اصلاح می‌شد.

■ **گفته می‌شود گروه‌های مختلفی به دنبال ایجاد سپاه بودند که در**